دکتر حسن صادقی، روانشناس:

مسجد وقتی پایگاه رشد می‌شود که نیازهای نسل جدید را بشناسد

بارها شنیده‌ایم که مسجد تنها محلی برای اقامه نماز نیست و اگر ظرفیت‌های آن متناسب با نیازها و ذائقه نسل جدید به کار گرفته شود، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین کانون‌های رشد، آرامش و تربیت نسل آینده تبدیل شود. دکتر حسن صادقی، روانشناس نیز با تأکید بر این مهم معتقد است مسجد می‌تواند مأمنی برای آرام گرفتن، ارتباط با خدا و افزایش درک انسان از معنویت باشد و به باور این روانشناس، برای بهره‌گیری از این ظرفیت، صرف حضور خانواده‌ها یا تکرار برنامه‌های سنتی کافی نیست، بلکه مسجد باید بتواند با شناخت نیازهای کودکان و نوجوانان، فضایی ایجاد کند که در آن احساس تعلق، آرامش و زمینه رشد داشته باشند. با این روانشناس درباره نقش مسجد و خانواده در تربیت نسل جدید و ضرورت تغییر نگاه به شیوه‌های جذب و فعالیت فرهنگی در مساجد گفت‌وگو کرده‌ایم.

■■■

مسجد و خانواده چه نقشی در تربیت دینی و رشد فرزندان دارند؟ آیا این دو می‌توانند جای یکدیگر را بگیرند؟

خانواده و مسجد می‌توانند مکمل یکدیگر باشند، اما هر کدام نقش متفاوتی دارند. در مسجد، فرد از یک «شعور جمعی» و تجربه و دانش افراد مختلف بهره می‌برد. در حدیثی آمده است: «الخیر فی الجماعه و الفرقه العذاب»؛ خیر و گشایش و برکت همراه جماعت است. وقتی انسان در یک جمع قرار می‌گیرد با آرا، اندیشه‌ها و تجربه‌هایی روبه‌رو می‌شود که شاید خودش برای به دست آوردن آنها باید سال‌ها زمان صرف کند. این ظرفیت در خانواده به آن اندازه وجود ندارد. حتی اگر پدر و مادر آگاهی و درک بالایی داشته باشند، باز هم تجربه و دانش آنها محدود به همان دو نفر است، اما وقتی فرزند در یک جمع سالم و تربیتی قرار می‌گیرد، از مجموعه‌ای از تجربه‌ها و آگاهی‌ها استفاده می‌کند و سرعت رشد و شکوفایی او بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، کار تربیتی در مسجد می‌تواند تخصصی‌تر باشد. امام جماعت یا مربی که در حوزه مسائل دینی و اخلاقی مطالعه و تجربه دارد، طبیعتاً نسبت به پدر و مادری که قرار است این مفاهیم را به فرزندشان آموزش دهند، در آن حوزه تمرکز و تخصص بیشتری دارد. بنابراین تعلیم و تربیت در مسجد و خانه باید در کنار هم قرار بگیرند تا یکدیگر را کامل کنند.

چرا حضور در مسجد و ارتباط با مفاهیم دینی می‌تواند به آرامش و رشد انسان کمک کند؟

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ألا بذکر الله تطمئن القلوب»؛ دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند. قرآن و نماز هم می‌توانند همین نقش را داشته باشند، یعنی از شدت اضطراب و نگرانی‌های انسان کم کنند و به او آرامش بدهند. مسجد نیز به‌عنوان یک فضای دینی، ظرفیت بسیار خوبی برای ایجاد چنین آرامشی دارد، اما یک نکته مهم وجود دارد، صرف نماز خواندن یا حضور فیزیکی در مسجد به‌تنهایی کافی نیست. خداوند نیز نمی‌فرماید فقط نماز را «بخوانید» بلکه می‌فرماید «أقم الصلاه» یعنی نماز را برپا دارید. بین خواندن نماز و درک و اقامه آن تفاوت وجود دارد. اگر مسجد جایی باشد که امام جماعت یا مربی، مفاهیم دینی را درست و عمیق به مخاطب منتقل کند، مسجد واقعاً می‌تواند محل رشد باشد. انسان به‌تدریج از اضطراب و تنش فاصله می‌گیرد و با آرامش بیشتری به زندگی نگاه می‌کند و وقتی آرامش ایجاد شد، زمینه رشد و تعالی هم فراهم می‌شود. بنابراین حضور در مسجد ذاتاً یک حرکت ارزشمند است، اما اگر از ظرفیت تربیتی آن استفاده نکنیم، در واقع خودمان را از یک ظرفیت بسیار بزرگ محروم کرده‌ایم. کسی که قرار است در مسجد به دیگران آموزش بدهد، خودش باید ابتدا آموزش دیده باشد و بداند چگونه می‌تواند این مفاهیم را به زندگی مخاطب پیوند بزند.

آیا حضور خانوادگی در مسجد می‌تواند باعث شود فرزندان هم به مسجد و فعالیت‌های دینی علاقه‌مند شوند؟

حضور خانواده در مسجد می‌تواند اثرگذار باشد، اما نمی‌توان گفت صرفاً چون پدر و مادر مسجدی هستند، فرزند هم حتماً مسجدی خواهد شد. هر انسان از پنجره ذهن و نگاه خودش به زندگی نگاه می‌کند و ممکن است فرزند یک خانواده مذهبی، به دلیل اینکه جذابیتی در محیط مسجد نمی‌بیند، ارتباط عمیقی با آن برقرار نکند. پس حضور والدین در مسجد یک عامل مهم است، اما باید در کنار آن، محیط مسجد نیز برای فرزند جذاب باشد. مسجد، هیئت و حسینیه باید متناسب با سن و ذائقه مخاطبان مختلف برنامه داشته باشند. ما در کودکی گاهی با مسجدهایی مواجه بودیم که اگر بچه کوچک‌ترین حرکت یا خنده‌ای می‌کرد، با او برخورد می‌شد یا حتی از مسجد بیرونش می‌کردند. چنین رفتاری طبیعی است که خاطره خوبی از مسجد برای کودک ایجاد نمی‌کند. کودک و نوجوان وقتی وارد مسجد می‌شود اگر احساس کند اینجا فضایی است که به نیازها و دغدغه‌های او توجه می‌شود، اگر در مسجد حال خوبی پیدا کند و احساس کند این محیط او را می‌پذیرد، طبیعتاً میل و رغبتش برای حضور بیشتر می‌شود.

چه چیزی باعث می‌شود پیوند نسل جدید با مسائل دینی و معنوی ماندگار شود؟

نسل‌های گذشته در شرایطی توانستند مفاهیم دینی و اخلاقی را به نسل بعد منتقل کنند که خودشان به آنچه می‌گفتند پایبند بودند و مسائل دینی برایشان قداست و اهمیت واقعی داشت. امروز هم اگر می‌خواهیم این پیوند در نسل جدید شکل بگیرد، بیش از هر چیز باید به رفتار کسانی توجه کنیم که خودشان را مبلغ و مروج دین معرفی می‌کنند. اگر جامعه ببیند کسانی که درباره اخلاق، ایمان و معنویت صحبت می‌کنند، خودشان به همان حرف‌ها عمل نمی‌کنند، طبیعی است که این مسئله روی اعتماد نسل جوان اثر منفی بگذارد. در واقع، برای تربیت دینی، رفتار الگوها گاهی از سخنرانی و آموزش مستقیم اثرگذارتر است.

به نظر شما رفتار و عملکرد مربیان، امام جماعت و افراد مذهبی چه تأثیری بر نگاه نوجوانان به دین دارد؟

تأثیر بسیار زیادی دارد. قرآن کریم می‌فرماید چرا چیزی را می‌گویید که خودتان به آن عمل نمی‌کنید. یکی از چیزهایی که می‌تواند به اعتقادات دینی جوانان آسیب بزند، همین فاصله میان گفتار و رفتار است. اگر فردی که مبلغ دین و الگوی نوجوان است، درباره ارزش‌هایی صحبت کند، اما خودش در عمل به آنها پایبند نباشد، این تناقض می‌تواند پیوند نوجوان با مسائل معنوی را متزلزل کند. بنابراین اگر قرار است مسجد محل تربیت باشد، مربی و امام جماعت قبل از اینکه بخواهند دیگران را تربیت کنند، باید خودشان اهل یادگیری، رشد و عمل باشند. نوجوان بیش از آنکه به حرف ما نگاه کند، رفتار ما را می‌بیند.

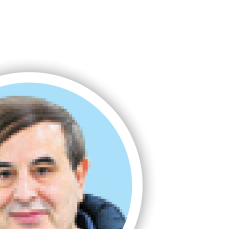

کودک و نوجوان وقتی وارد مسجد می‌شود اگر احساس کند اینجا فضایی است که به نیازها و دغدغه‌های او توجه می‌شود، اگر در مسجد حال خوبی پیدا کند و احساس کند این محیط او را می‌پذیرد، طبیعتاً میل و رغبتش برای حضور بیشتر می‌شود

خود فضای مسجد چه نقشی در ایجاد آرامش و حال خوب در افراد دارد؟

مسجد به‌عنوان خانه خدا، باید فضایی باشد که انسان با احساس خوب و نیت پاک وارد آن شود. کسی که برای نماز و ارتباط با خدا وارد مسجد می‌شود، باید بتواند برای مدتی از حاشیه‌ها و دغدغه‌های روزمره فاصله بگیرد. اگر این فضا درست شکل بگیرد، حضور افراد مختلف در کنار یکدیگر می‌تواند یک حال خوب جمعی ایجاد کند. انسان حتی ممکن است بدون اینکه کار خاصی انجام دهد، صرف حضور در چنین محیطی احساس آرامش کند. مسجد می‌تواند مأمنی برای آرام گرفتن، ارتباط با خدا و افزایش درک انسان از معنویت باشد، اما اگر این فضا شکل نگیرد، ممکن است حضور در مسجد به یک عادت تبدیل شود؛ اینکه فرد دو یا سه وعده به مسجد برود، نمازش را بخواند و بیرون بیاید، بدون اینکه بداند برای چه آمده و چه تغییری قرار است در زندگی‌اش اتفاق بیفتد. در چنین شرایطی، ما از ظرفیت واقعی مسجد استفاده نکرده‌ایم.

برای اینکه مسجد بتواند همچنان پایگاه ارتباط با نسل جدید باشد، چه تغییری در نوع فعالیت‌ها و برنامه‌های آن لازم است؟

اگر مساجد بخواهند نسل جدید، به‌ویژه جوانان را جذب کنند، باید بخشی از نیازهای آنها را هم بشناسند و پاسخ دهند. مسجد نباید فقط محلی برای اقامه نماز باشد. باید هم خوراک روح داشته باشد و هم بتواند در حد ظرفیت خودش به برخی نیازهای اجتماعی و حتی ارتباطی مردم پاسخ دهد. اگر مسجد فقط با همان شیوه سنتی نماز برگزار کند و امام جماعت چند دقیقه‌ای صحبت کند، طبیعتاً بخشی از ظرفیت مسجد مورد استفاده قرار نگرفته است. این برنامه‌ها ارزشمندند، اما کافی نیستند. هر مسجد در هر محله باید برای جذب مردم برنامه داشته باشد. به هر دلیل و به هر بهانه‌ای زمینه حضور آنها را فراهم کند و بعد از جذب، برایشان برنامه و محتوای مناسب داشته باشد. اگر این اتفاق بیفتد، مسجد دوباره می‌تواند به یک پایگاه واقعی برای رشد، تربیت و ارتباط اجتماعی تبدیل شود.

محمدمهدی کبودوندی، فعال فرهنگی:

پیوند خانه و مسجد بچه‌ها را رشد می‌دهد

مسجد برای بسیاری از ما با نماز و عبادت گره خورده است، اما این مکان مقدس فقط محل برگزاری نماز نیست و می‌تواند جایی باشد که نوجوان در آن دوست پیدا کند، حرف بزند، دیده شود، مسئولیت بپذیرد و در کنار دیگران رشد کند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری نوجوان‌ها در مسجد نیز همین تجربه متفاوت از رفاقت و باهم‌بودن باشد، تجربه‌ای که به گفته محمدمهدی کبودوندی یکی از فعالان فرهنگی مسجد فاطمه الزهرا(س) در غرب تهران، اصلی‌ترین چیزی که در مسجد وجود دارد و جای دیگری به این شکل پیدا نمی‌شود، رفاقت و صمیمیت بین بچه‌هاست، اما ساختن چنین فضایی برای نسل جدید، فقط با دعوت کردن نوجوان به مسجد اتفاق نمی‌افتد. نوع ارتباط مربی با او، فرصت اظهار نظر و مشارکت، کیفیت برنامه‌های فرهنگی و هیئت و البته همراهی خانواده، همگی در این مسیر نقش دارند. کبودوندی در گفت‌وگوی پیش‌رو از تجربه چندساله خود در کار با نونهالان، نوجوانان و جوانان می‌گوید. از نوجوانی که با فشارهای مذهبی از مسجد فاصله گرفته بود تا شیوه‌ای که در آن نظر بچه‌ها حتی می‌تواند برنامه‌های یک مجموعه را تغییر دهد.

■■■

شما در مجموعه‌تان با تعداد قابل توجهی از نونهالان، نوجوانان و جوانان کار می‌کنید. استقبال خانواده‌ها و بچه‌ها از این فعالیت‌ها چطور است؟

استقبال خانواده‌ها بسیار بالاست. مجموعه ما حدود ۱۰۰ نونهال، نوجوان و جوان پای کار دارد. کسانی که در برنامه‌ها شرکت می‌کنند، فعال و در حال رشد هستند و در مجموع حدود ۱۰۰ نفر از مربی‌های این مجموعه، فعالانه حضور دارند. البته بعضی از والدین متأثر از جامعه و فضای اجتماعی، فرزندانشان را رها کرده‌اند و خیلی به فکر تربیت، رشد و پیشرفت بچه‌هایشان نیستند. همین اتفاق گاهی هم در مسجد می‌افتد. البته این موارد خیلی زیاد نیست، اما وجود دارد. بعضی والدین بچه را رها می‌کنند و می‌گویند همین که بچه به مسجد می‌آید، کافی است، در حالی که این اشتباه است. درست است که مسجد خانه خداست و جای امنی برای بچه است، اما خانواده باید نظارت کند که فرزندش وقتی به مسجد می‌آید، چه کاری انجام می‌دهد، با چه کسانی ارتباط دارد و روند رشدش چگونه است. مسجد قرار نیست جای خانواده را بگیرد. خانواده باید در کنار مسجد و مجموعه تربیتی، روند رشد و پیشرفت فرزندش را هم دنبال کند.

اگر بخواهید یک ویژگی از مسجد را بگویید که این مکان را برای نوجوان‌ها متفاوت و جذاب می‌کند، آن ویژگی در نگاه شما چیست؟

به نظرم اصلی‌ترین چیزی که در مسجد وجود دارد و جای دیگری به این شکل پیدا نمی‌شود، رفاقت و صمیمیت بین بچه‌هاست. آن دلدادگی، وابستگی و رفاقت عمیقی که بین بچه‌ها در مسجد شکل می‌گیرد، واقعاً جای دیگری به این شکل وجود ندارد. بچه‌ها ممکن است به کلاس بوکس، کشتی، مدرسه یا حتی پارک بروند، اما چنین رفاقت عمیقی را کمتر می‌توان در این فضاها پیدا کرد. اگر هم باشد، خیلی نادر است. به نظرم اگر کسی دنبال رفیق خوب می‌گردد، جایی بهتر از مسجد نیست که بتواند رفاقت خوب و عمیق را در آن پیدا کند.

در مسیر کار با نوجوان‌ها، حتماً با تجربه‌های متفاوتی روبه‌رو شده‌اید. آیا موردی بوده که یک نوجوان ابتدا از فضای مسجد و دین فاصله داشته باشد، اما بعد جذب شود؟

بله، یک موردی داشتیم که برای من خیلی آموزنده بود. یک خانواده مذهبی و بسیار معتقدی بود که فرزندشان به‌شدت نسبت به دین زده شده بود. طوری که از مسجد و نماز فراری بود، اما این نوجوان مرا می‌شناخت و به هم علاقه‌مند بودیم. اما به مسجد نمی‌آمد و وقتی وارد مسجد می‌شد انگار در عذاب بود. برای حل این مشکل ابتدا با اولیای این نوجوان تماس گرفتیم و یک جلسه با آنها داشتیم و خواستیم به او نگویند دیگر به مسجد بیایید. اجازه بدهند خودش انتخاب کند. کاری نداشته باشند که به مسجد می‌آید یا نمی‌آید، نماز می‌خواند یا نمی‌خواند. در اصل خواستیم رها باشد و آزادی عمل داشته باشد و خودش انتخاب کند. خوشبختانه بعد از حدود سه، چهار ماه، این بچه کاملاً دگرگون شد و تغییر کرد. دوباره وارد مسجد شد، جذب مسجد شد و حتی توانست به یکی از بچه‌های قوی مسجد و از مربی‌های فعال و قوی مجموعه تبدیل شود. این تجربه نشان داد، حتی با نیت خوب و دینی، فشار بیش از اندازه می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و نوجوان را از همان چیزی که می‌خواهیم به آن نزدیک شود، دور کند.

حتی اگر فرزندتان پیش بهترین مربی دنیا برود و در بهترین مسجد هم حضور داشته باشد، اگر شما والدین کار را رها کنید و وظایفی را که بر عهده خودتان است، روی دوش مربی یا مسجد بگذارید، ممکن است در تربیت بچه دچار مشکل شوید

پس در ارتباط با نوجوان، فقط محتوایی که به او می‌دهیم مهم نیست نوع ارتباط‌مان هم اهمیت دارد. چطور این ارتباط را شکل می‌دهید؟

سعی می‌کنیم با نوجوان‌ها طوری صحبت کنیم که احساس کنند داریم با هم صحبت می‌کنیم، نه اینکه ما برای بچه‌ها صحبت می‌کنیم. این دو تا خیلی با هم فرق دارد. وقتی نوجوان احساس کند در یک گفت‌وگو و تعامل قرار دارد، راحت‌تر ارتباط می‌گیرد، حرفش را می‌زند و احساس می‌کند نظر و نگاهش دیده و شنیده می‌شود. بنابراین تلاش ما این است که فضای ارتباط با بچه‌ها بیشتر یک گفت‌وگوی دوطرفه باشد، نه اینکه فقط ما صحبت کنیم و آنها شنونده باشند. جلسات ما اینطور نیست که مربی روی صندلی بنشیند و بچه‌ها روبه‌رویش قرار بگیرند. معمولاً یک حلقه حدود ۲۰ نفره شکل می‌گیرد. مربی موضوعی را مطرح می‌کند و نظر خودش را درباره آن می‌گوید، بعد بچه‌ها یکی‌یکی نظرشان را مطرح می‌کنند. حتی گاهی پیش آمده که مربی نظر اشتباهی داده و بچه‌ها او را اصلاح کرده‌اند و هیچ مقاومتی هم وجود نداشته است. اتفاقاً یکی از نکاتی که برای بچه‌ها مطرح می‌کنیم این است که معصوم، امام معصوم است و اشتباهی ندارد و کلامی غیر از کلام خدا از زبان او جاری نمی‌شود، اما مربی ممکن است اشتباه کند و حتی ممکن است حرف نادرستی بزند. بنابراین شما می‌توانید نظر خودتان را مطرح کنید و اگر فکر می‌کنید حرف مربی اشتباه است آن را بیان کنید البته در چارچوب ادب و احترام. شاید باورش سخت باشد، اما بارها پیش آمده که برنامه‌های مجموعه به خاطر نظر بچه‌ها تغییر کرده است، مثلاً گاهی یک برنامه را به‌طور کامل تغییر داده‌ایم، چون بچه‌ها درباره آن نظر دیگری داشته‌اند. این شیوه باعث می‌شود نوجوان احساس کند نظرش واقعاً شنیده می‌شود و در تصمیم‌ها نقش دارد نه اینکه فقط شنونده برنامه‌هایی باشد که دیگران برای او طراحی کرده‌اند.

در کنار این حلقه‌های گفت‌وگو، هیئت چه جایگاهی در فعالیت تربیتی شما دارد؟

هیئت را برای بچه‌ها اینطور توصیف می‌کنیم که مثل دانشگاه و کلاس درس است. اینطور نیست که شما فقط برای چند قطعه مداحی بیایید، سینه بزنید و بعد هم بروید. معتقدیم مهم‌ترین بخش هیئت، سخنرانی و منبر آن است، حتی از روضه و سینه‌زنی هم مهم‌تر. به همین دلیل، روی سخنرانی‌هایی که برای نوجوان‌ها برگزار می‌کنیم، خیلی وسواس داریم و برایمان مهم است که چه کسی را دعوت کنیم. حتی گاهی وقتی از یک سخنران دعوت می‌کنیم، به او می‌گوییم نوجوان‌های ما چه نیازهایی دارند و اگر ممکن است درباره این موضوعات صحبت کند. بعضی وقت‌ها حتی موضوع سخنرانی را هم مشخص می‌کنیم تا درباره مسائل مورد نیاز و مورد بحث بچه‌ها و نوجوان‌ها صحبت شود. نوجوان‌ها هم وقتی هیئت را مثل کلاس درس می‌دانند، فقط برای شنیدن سخنرانی نمی‌آیند. وقتی سخنران شروع به صحبت می‌کند، بچه‌ها دفتر مخصوصی برای این کار دارند و شروع می‌کنند به نوشتن. سخنرانی هیئت را یادداشت می‌کنند نه اینکه فقط گوش کنند و بعد از هیئت همه چیز را فراموش کنند. بعد از آن جلسه‌ای با نوجوان‌ها داریم و در حلقه صالحین درباره همان موضوعات صحبت می‌کنیم. بچه‌ها نظراتشان را مطرح می‌کنند، با هم تبادل نظر می‌کنیم و درباره مطالبی که آن عالم یا روحانی در هیئت مطرح کرده، گفت‌وگو می‌کنیم. به این شکل تلاش می‌کنیم مطالبی که در هیئت مطرح می‌شود، در قلب و ذهن بچه‌ها نهادینه شود و ارزش‌ها و مفاهیم دینی را به نسل بعد منتقل کنیم.

اگر بخواهیم نقش خانواده را هم در کنار مسجد ببینیم، چه صحبتی با والدین دارید؟

فقط یک نکته و اینکه درست است که مسجد، خانه خداست و از اسمش هم پیداست که مکان امنی برای همه جامعه است. نه فقط برای نوجوان‌ها بلکه برای همه اقشار جامعه، اما اینطور نباشد که بچه جذب مسجد شد، فکر کنید دیگر همه چیز تمام شده و خیالتان راحت باشد که این بچه عاقبت‌بخیر می‌شود و بهترین‌ها برایش رقم می‌خورد. واقعاً اینطور نیست. شما به عنوان والدین باید نظارت داشته باشید. حتی اگر فرزندتان پیش بهترین مربی دنیا برود و در بهترین مسجد هم حضور داشته باشد، اگر شما والدین کار را رها کنید و وظایفی را که بر عهده خودتان است، روی دوش مربی یا مسجد بگذارید، ممکن است در تربیت بچه دچار مشکل شوید. نباید انتظار داشته باشید که مسجد معجزه کند. مسجد و منزل مکمل یکدیگر هستند. قرار نیست مسجد جای خانواده را بگیرد یا خانواده وظایف خودش را به مسجد واگذار کند. شما به عنوان والدین باید پیگیر مسائل فرزندتان باشید و حتماً با مربی مسجد در ارتباط باشید. حتی ممکن است آن مربی، انسان فاضلی نباشد یا حرف‌ها و ارزش‌های نادرستی را به فرزند شما منتقل کند. خانواده باید این مسائل را رصد کند و در جریان باشد که چه کسی با فرزندش صحبت می‌کند، چه مطالبی به او منتقل می‌شود و روند تربیتی او چگونه است. بنابراین والدین نباید کار را رها کنند. مسجد و خانواده باید در کنار هم باشند و هر کدام وظیفه خودشان را در تربیت و رشد نوجوان انجام دهند.

زندگی زیر گنبدهای فیروزه‌ای

■ نیره محمودی

مسجد برای بسیاری از ما فقط یک ساختمان با گنبد فیروزه‌ای و محراب نیست؛ بخشی از خاطرات محله است. جایی که آدم‌ها یکدیگر را می‌دیدند، از حال هم باخبر می‌شدند، در شادی و غم هم شریک می‌شدند و گاهی برای ساده‌ترین مسائل زندگی، راهی برای کمک به یکدیگر پیدا می‌کردند. برای خیلی‌ها، مسجد همان جایی بود که نخستین دوستانشان را پیدا کردند، در یک اردوی چندروزه شرکت کردند، فوتبال بازی کردند، در یک برنامه فرهنگی مسئولیتی برعهده گرفتند یا برای نخستین بار فهمیدند که می‌توانند برای محله و آدم‌های اطرافشان کاری انجام دهند، اما رابطه بخشی از نوجوانان و جوانان امروز با مسجد دیگر به سادگی گذشته نیست. نوجوانی که بخش بزرگی از روز خود را در فضای مجازی می‌گذراند، با صدها نوع سرگرمی و محتوای فرهنگی روبه‌روست و می‌تواند در چند ثانیه با دوستانش در هر نقطه‌ای از شهر یا حتی دنیا ارتباط برقرار کند، طبیعی است که با مسجدی ارتباط بیشتری برقرار کند که بتواند بخشی از نیازهای واقعی او را بشناسد و پاسخ دهد.

مسئله شاید این نباشد که چگونه نوجوان را به مسجد «بکشانیم». سؤال مهم‌تر این است که چگونه مسجد را دوباره به جایی تبدیل کنیم که نوجوان دلش بخواهد در آن حضور داشته باشد. این تفاوت کوچکی نیست. اجبار ممکن است حضور ایجاد کند، اما تعلق ایجاد نمی‌کند. آنچه نسل نوجوان و جوان امروز نیاز دارد، تجربه‌ای از مسجد است که در آن هم معنویت وجود داشته باشد، هم دوستی، هم نشاط، هم یادگیری، هم گفت‌وگو و هم احساس مفید بودن.

مسجد می‌تواند یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی هر محله باشد؛ فضایی که در آن گروه‌های مختلف اجتماعی کنار هم قرار می‌گیرند و فرصتی برای ارتباط میان نسل‌ها شکل می‌گیرد، اما برای رسیدن به چنین نقشی، مسجد نباید فقط در ساعت‌های برگزاری نماز فعال باشد. مسجد زنده، مسجدی است که زندگی در آن جریان دارد.

این زندگی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد؛ از یک کلاس آموزشی و مسابقه ورزشی گرفته تا نمایش فیلم، کتابخوانی، کارگاه مهارت‌های زندگی، آموزش هنر، فعالیت‌های داوطلبانه، اردوهای فرهنگی و تفریحی و حتی یک دورهمی ساده برای گفت‌وگو درباره دغدغه‌های نوجوانان.

در چنین نگاهی، فعالیت فرهنگی و تفریحی رقیب فعالیت دینی نیست، می‌تواند پلی برای رسیدن به آن باشد. نوجوانی که برای یک برنامه ورزشی وارد مسجد می‌شود، شاید در همانجا با یک دوست جدید آشنا شود. جوانی که برای یک کارگاه فیلمسازی آمده، شاید در یک فعالیت اجتماعی محله مشارکت کند. دختری که برای کتابخوانی به مسجد می‌آید، ممکن است بعدها خودش برگزارکننده یک برنامه فرهنگی شود. گاهی یک رابطه عمیق با یک مکان، از یک اتفاق بسیار ساده آغاز می‌شود.

تابستان از این منظر یک فرصت کم‌نظیر است. تعطیلی مدارس، افزایش اوقات فراغت و فاصله گرفتن نوجوانان از برنامه روزمره مدرسه، زمان بیشتری در اختیار خانواده‌ها و مراکز فرهنگی قرار می‌دهد، اما اوقات فراغت اگر درست مدیریت نشود، خیلی زود به «وقت تلف‌شده» تبدیل می‌شود. امروز یک نوجوان می‌تواند ساعت‌ها در فضای مجازی بماند، بازی کند، ویدئو ببیند و با دیگران ارتباط داشته باشد، بدون اینکه حتی از اتاقش خارج شود. فناوری بخشی از زندگی او است و قرار نیست با توصیه و نصیحت از این واقعیت عبور کنیم. مسئله این است که در کنار دنیای مجازی، چه تجربه واقعی و جذابی برای او می‌سازیم. اینجا مسجد می‌تواند یک فرصت جدی باشد.

یک حیاط برای ورزش، یک اتاق برای فعالیت فرهنگی، چند مربی خوش‌برخورد، یک کتابخانه کوچک و چند جوان داوطلب، می‌تواند شروع یک برنامه تابستانی موفق باشد. قرار نیست همه مساجد امکانات یکسانی داشته باشند. گاهی آنچه یک نوجوان را جذب می‌کند، نه تجهیزات گرانقیمت، بلکه احساس دیده شدن و پذیرفته شدن است. مسجدی که در تابستان برای نوجوانان برنامه دارد، در واقع فقط اوقات فراغت آنها را پر نمی‌کند؛ بخشی از سبک زندگی آنان را شکل می‌دهد.

نوجوان باید مسجد را با خاطره خوب به یاد بیاورد. این شاید یکی از مهم‌ترین اصول ارتباط نسل جدید با مسجد باشد. نمی‌توان انتظار داشت نوجوانی که تجربه‌ای سرد، رسمی یا سرشار از محدودیت از یک محیط دارد، به شکل طبیعی به آن احساس تعلق پیدا کند.

برای نزدیک‌شدن نوجوان به مسجد، شاید بهتر باشد ابتدا تجربه‌ای خوب از حضور در آن برایش ساخته شود. نوجوانی که در مسجد دوست پیدا می‌کند، در یک اردوی خوب شرکت می‌کند، مربی‌ای دارد که حرفش را می‌شنود، در یک مسابقه ورزشی هیجان‌انگیز حضور پیدا می‌کند یا برای برگزاری یک برنامه مسئولیت می‌گیرد، مسجد را دیگر فقط به عنوان یک مکان نمی‌بیند. مسجد تبدیل به بخشی از زندگی اجتماعی او می‌شود.

در این میان، رفتار بزرگسالان اهمیت زیادی دارد. گاهی یک برخورد ساده می‌تواند نوجوانی را به مسجد نزدیک یا از آن دور کند. نوجوان به سرعت متوجه می‌شود که آیا واقعاً برای حضورش ارزش قائلند یا فقط قرار است مخاطب یک برنامه از پیش تعیین‌شده باشد. مسجدی که نوجوان در آن احساس کند «خودش» است، شانس بیشتری برای ساختن یک رابطه ماندگار با او دارد.

یکی از مهم‌ترین تغییرات مورد نیاز، شاید تغییر در شیوه مواجهه با نوجوان باشد. اگر قرار است برای نوجوان برنامه‌ریزی کنیم، باید بخشی از این برنامه‌ریزی را با خود او انجام دهیم. از او بپرسیم چه چیزی دوست دارد یاد بگیرد، چه ورزشی را دوست دارد، چه کتابی می‌خواند، چه چیزی در فضای مجازی توجهش را جلب می‌کند، چه دغدغه‌هایی دارد و حتی چه چیزی در یک محیط فرهنگی باعث می‌شود احساس راحتی نکند. این گفت‌وگوها ممکن است پاسخ‌هایی داشته باشد که برای بزرگسالان غیرمنتظره باشد. شاید نوجوان به جای یک کلاس رسمی، یک کارگاه تولید محتوای دیجیتال بخواهد. شاید به جای سخنرانی، یک نشست صمیمی با یک ورزشکار، هنرمند یا کارآفرین برایش جذاب‌تر باشد.

اینها تهدیدی برای هویت مسجد نیستند؛ راه‌هایی برای ارتباط با نسلی هستند که زبان ارتباطی متفاوتی دارد.

شاید یکی از مهم‌ترین تغییرات این باشد که نوجوان و جوان در مسجد فقط «مخاطب» نباشد، بلکه «عضو» باشد. اگر نوجوان و جوان همیشه روی صندلی بنشیند و برنامه‌ای را که بزرگسالان طراحی کرده‌اند تماشا کند، خیلی زود احساس می‌کند اینجا متعلق به او نیست، اما اگر خودش پوستر یک برنامه را طراحی کند، فیلم کوتاه بسازد، مسابقه برگزار کند، تیم رسانه‌ای مسجد را مدیریت کند، در برگزاری اردو نقش داشته باشد یا حتی مسئولیت بخشی از یک برنامه را برعهده بگیرد، احساس متفاوتی پیدا می‌کند. تعلق معمولاً از جایی آغاز می‌شود که فرد احساس کند حضورش اهمیت دارد.

این موضوع درباره دختران نوجوان و جوان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. مسجد می‌تواند با طراحی فضاها و برنامه‌های مناسب، زمینه حضور فعال‌تر دختران و پسران را در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم کند و از ظرفیت‌های آنان برای ساختن زندگی فرهنگی محله استفاده کند.

نسل جوان اگر فقط مصرف‌کننده برنامه‌های فرهنگی باشد، خیلی زود خسته می‌شود، اما اگر فرصت پیدا کند چیزی بسازد، مسئولیتی برعهده بگیرد و نتیجه کار خودش را ببیند، رابطه‌اش با آن فضا عمیق‌تر می‌شود.

وقتی از «سبک زندگی سالم» حرف می‌زنیم، معمولاً ذهنمان به تغذیه، ورزش و پرهیز از عادت‌های ناسالم می‌رود، اما سلامت اجتماعی و فرهنگی هم بخشی از همین مفهوم است. نوجوانی که امکان ورزش گروهی دارد، دوستان سالم پیدا می‌کند، مهارت گفت‌وگو می‌آموزد، مسئولیت اجتماعی تجربه می‌کند، با کتاب و هنر ارتباط دارد و فرصت پیدا می‌کند درباره دغدغه‌هایش با یک بزرگسال قابل اعتماد حرف بزند، در حال یادگیری بخش مهمی از یک زندگی سالم است. مسجد می‌تواند چنین بستری را فراهم کند؛ نه با نصیحت‌های طولانی، بلکه با ساختن موقعیت‌های واقعی برای تجربه کردن.

به جای اینکه فقط درباره کمک به دیگران صحبت شود، گروهی از نوجوانان می‌توانند یک روز را برای کمک به سالمندان محله اختصاص دهند. به جای سخنرانی درباره محیط زیست، می‌توان یک برنامه پاکسازی پارک یا فضای سبز محله برگزار کرد. به جای توضیح درباره کار گروهی، نوجوانان می‌توانند خودشان یک رویداد فرهنگی یا ورزشی را طراحی و اجرا کنند. وقتی ارزش‌ها به تجربه تبدیل می‌شوند، ماندگارتر می‌شوند.

نوجوان و جوان امروز با زبان دیگری با دنیا ارتباط برقرار می‌کند. او در معرض فیلم، موسیقی، بازی، شبکه‌های اجتماعی و روایت‌های متنوعی قرار دارد و پرسش‌هایش نیز با نسل‌های قبل تفاوت‌هایی دارد. این به معنای آن نیست که مسجد باید شبیه شبکه اجتماعی شود یا برای جذب جوانان از هویت خود فاصله بگیرد. اتفاقاً مسجد بیش از هر چیز به هویت و اصالت خودش نیاز دارد، اما اصالت با فاصله گرفتن از زمانه فرق دارد.

مسجد می‌تواند هویت خود را حفظ کند و در عین حال زبان نسل جدید را بشناسد. می‌تواند درباره موضوعاتی صحبت کند که برای جوان و نوجوان واقعی‌اند؛ از آینده شغلی و اضطراب و دوستی گرفته تا فضای مجازی، ورزش، هنر، خانواده و روابط اجتماعی.

شنیدن در این مسیر شاید مهم‌تر از سخن گفتن باشد. جوان و نوجوانی که احساس کند در مسجد فقط قرار است به او گفته شود چه کاری درست و چه کاری غلط است، ممکن است خیلی زود فاصله بگیرد، اما اگر احساس کند می‌تواند سؤال بپرسد، حتی سؤال سخت و مخالف، و کسی قرار نیست او را به خاطر پرسیدن قضاوت کند، احتمال شکل‌گیری یک رابطه واقعی بیشتر می‌شود.

مسجد در بهترین شکل خود فقط یک مکان نیست؛ یک شبکه انسانی است. شبکه‌ای که می‌تواند میان نسل‌ها ارتباط ایجاد کند، تنهایی را کاهش دهد، مشارکت اجتماعی را بالا ببرد و به محله هویت بدهد. اگر بخواهیم نوجوانان و جوانان را به مسجد نزدیک کنیم، شاید لازم نباشد همیشه از آنها بخواهیم خودشان را با مسجد تطبیق دهند. گاهی لازم است مسجد نیز بخشی از شیوه حضور خود در جامعه را با نیازهای زمانه هماهنگ کند؛ نه با کنار گذاشتن کارکرد معنوی خود، بلکه با گسترش آن به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی.

مسجد می‌تواند محل نماز باشد و در عین حال محل ورزش. می‌تواند جای عبادت باشد و در کنار آن کتابخانه، کارگاه مهارتی و فضای گفت‌وگو داشته باشد. می‌تواند در کنار مناسک دینی، به مسائل واقعی محله هم توجه کند؛ از محیط زیست و سالمندان گرفته تا آموزش، آسیب‌های اجتماعی، نشاط جوانان و حمایت از خانواده‌ها.

این نگاه البته به معنای تبدیل مسجد به یک فرهنگسرا نیست. مسجد همچنان مسجد است و هویت اصلی خود را دارد، اما می‌تواند در کنار نقش عبادی، نقش اجتماعی و فرهنگی پررنگ‌تری نیز ایفا کند.

شاید بازگرداندن نوجوانان به مسجد، از جایی آغاز شود که مسجد دوباره به زندگی روزمره آنها بازگردد. تابستان فرصت خوبی برای شروع این مسیر است. فرصتی برای اینکه درهای مسجد فقط به روی نمازگزاران باز نباشد، بلکه به روی نوجوانی که می‌خواهد فوتبال بازی کند، جوانی که می‌خواهد مهارتی یاد بگیرد، دختری که می‌خواهد کتاب بخواند، گروهی که می‌خواهد یک کار داوطلبانه انجام دهد و خانواده‌ای که به دنبال محیطی سالم برای فراغت فرزندش می‌گردد نیز باز باشد. مسجد اگر بتواند دوباره به «پاتوق» محله تبدیل شود، دیگر لازم نیست از نوجوان بخواهیم «به مسجد بیایید.» او خودش می‌داند که بخشی از زندگی اجتماعی‌اش در همین جا جریان دارد.

شاید معنای واقعی مسجد در دنیای امروز همین باشد، خانه‌ای برای عبادت، اما نه جدا از زندگی؛ فضایی برای معنویت، اما در کنار شادی و نشاط؛ جایی برای ارتباط با خدا، اما همزمان جایی برای ارتباط انسان‌ها با یکدیگر.

مسجد زمانی زنده می‌ماند که زندگی در اطراف آن جریان داشته باشد. و شاید بهترین راه برای اینکه نسل آینده مسجد را دوست داشته باشد، این باشد که بخشی از بهترین خاطرات نوجوانی‌اش را در همان جا بسازد.

حجت‌الاسلام یاسین حسین‌آبادی، معاون فرهنگی مسجد جمکران:

مسجد بهترین پاتوق برای دورهمی سالم و سازنده نسل جوان است

حجت‌الاسلام یاسین حسین‌آبادی، معاون فرهنگی مسجد جمکران، در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: در آستان مقدس مسجد جمکران، یکی از ضرورت‌های جدی در حوزه فرهنگی این است که شیوه ارتباط با نسل جوان، متناسب با زبان، ذائقه، سرعت دریافت و افق ذهنی او به‌روز شود. مشروح گفت‌وگو با وی را در ادامه می‌خوانید.

■■■

با توجه به اینکه تابستان فرصت فراغت بیشتری برای جوانان ایجاد می‌کند، مسجد مقدس جمکران برای جذب و حضور پررنگ‌تر جوانان در این ایام چه برنامه‌های ویژه‌ای دارد؟

ما در آستان مقدس مسجد جمکران، فصل تابستان را صرفاً یک بازه زمانی برای پر کردن اوقات فراغت نمی‌دانیم، بلکه آن را یک فرصت تربیتی و معرفتی بسیار ارزشمند تلقی می‌کنیم؛ فرصتی که می‌تواند به تعمیق ارتباط جوانان با معارف دینی، هویت ایمانی و به‌ویژه با وجود نازنین حضرت ولی‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) منجر شود. بر همین اساس، تلاش ما این است که برنامه‌های تابستانی آستان، ترکیبی از معرفت، ایجاد انس، جذابیت، مشارکت و نشاط معنوی باشد. در این چارچوب، برنامه‌هایی مانند نشست‌های معرفتی مهدوی، حلقه‌های گفت‌وگوی صمیمی، کارگاه‌های مهارت‌های فردی و اجتماعی، برنامه‌های فرهنگی و رسانه‌ای، فعالیت‌های گروهی و جمع‌های خدمت‌رسان، در کنار محافل دعا و زیارت، مورد توجه قرار می‌گیرد. رویکرد ما این است که جوان وقتی وارد فضای مسجد می‌شود، احساس نکند با یک برنامه صرفاً رسمی و مناسبتی مواجه است، بلکه دریابد که مسجد می‌تواند پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای فکری، روحی و اجتماعی او باشد.

در طراحی برنامه‌های فرهنگی مسجد، جوان امروز با چه ویژگی‌ها و نیازهایی دیده می‌شود؟ آیا برنامه‌ها بر اساس شناخت واقعی از دغدغه‌ها و سبک زندگی نسل جدید طراحی می‌شوند؟

یکی از اصول مهم در برنامه‌ریزی فرهنگی این است که جوان امروز را آنگونه که هست بشناسیم، نه آنگونه که صرفاً در ذهن ما ترسیم شده است. جوان امروز نسلی باهوش، پرسشگر، حساس، جست‌وجوگر و در عین حال در معرض حجم زیادی از پیام‌ها، شبهات، جذابیت‌های رسانه‌ای و الگوهای متنوع هویتی است. بنابراین اگر بخواهیم با او ارتباط مؤثر برقرار کنیم، باید نیازهای واقعی او را درک کنیم. از نگاه ما جوان امروز بیش از هر چیز نیازمند هویت روشن، امید پایدار به آینده‌ای روشن، احساس تعلق، فرصت نقش‌آفرینی و فضایی برای گفت‌وگوی صادقانه است.

مسجد جمکران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز مذهبی کشور، چه تجربه‌ای از ارتباط با جوانان دارد و مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود یک جوان به این فضا جذب یا از آن فاصله بگیرد، چیست؟

نسل جوان، علی‌رغم همه پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های محیطی، همچنین ظرفیت بسیار بالایی برای ارتباط با معنویت، حقیقت و محبت اهل‌بیت (ع) خاصه مهدویت دارد؛ به شرط آنکه این ارتباط، صادقانه، عمیق و متناسب با نیازهای واقعی او برقرار شود. جوان اگر احساس کند در یک فضا مورد احترام است، شنیده می‌شود، برای فکر و حضورش ارزش قائل هستند و می‌تواند در یک مسیر روشن و امیدبخش حرکت کند، با رغبت به آن فضا نزدیک می‌شود. در مقابل، آنچه معمولاً موجب فاصله‌گیری جوانان می‌شود، نه اصل دین و معنویت، بلکه نوع مواجهه‌های کلیشه‌ای، یک‌سویه، شعاری و گاه بی‌اعتنا به واقعیت‌های زیست جوانانه است. اگر برنامه‌ها فقط جنبه تکرار داشته باشند و نتوانند با مسائل ملموس جوان در حوزه هویت، آینده، روابط، امید، نشاط و مسئولیت پیوند برقرار کنند، طبعاً جذابیت لازم را نخواهند داشت.

آیا رویکرد مسجد در قبال جوانان صرفاً دعوت به حضور در برنامه‌های مذهبی است، یا تلاش شده مسجد به یک پایگاه اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و حتی تفریحی برای جوانان تبدیل شود؟

ما معتقدیم که مسجد در تراز اسلامی و مهدوی، باید کارکردی فراتر از یک مکان برگزاری مراسم داشته باشد. مسجد می‌تواند و باید به پایگاهی برای تربیت انسان، تقویت هویت، رشد عقلانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، هم‌افزایی فرهنگی و شکل‌گیری روابط سالم انسانی تبدیل شود. بر همین اساس، در آستان مقدس مسجد جمکران تلاش می‌شود بسترهایی فراهم آید که جوان در کنار بهره‌مندی از فضای عبادی و معنوی، امکان یادگیری، مشارکت اجتماعی، فعالیت فرهنگی، گفت‌وگوی فکری، رشد مهارتی و تجربه جمعی سالم را نیز داشته باشد. مقصود ما از این نگاه، آن است که مسجد در ذهن و زندگی جوان، از یک مکان صرفاً آیینی به یک زیست‌بوم رشد تبدیل شود؛ زیست‌بومی که در آن، پیوند با امام زمان (عج) فقط در سطح یک احساس مقطعی باقی نماند، بلکه به یک مسیر تربیتی و اجتماعی ماندگار تبدیل شود.

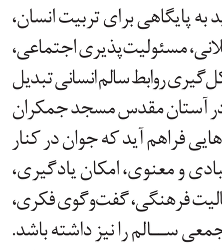

جوان امروز میل دارد در ساختن فضا و برنامه‌ای که به او مربوط است، سهم واقعی داشته باشد. اگر تنها دریافت‌کننده پیام باشد، ارتباط او محدود و موقتی می‌شود، اما اگر در ایده‌پردازی، طراحی و اجرا مشارکت کند، احساس تعلق، مسئولیت و هویت جمعی در او تقویت می‌شود

چه برنامه‌هایی برای تبدیل مسجد به یک «پاتوق فرهنگی و اجتماعی سالم» برای جوانان، به‌ویژه در فصل تابستان، در نظر گرفته شده است؟

اگر قرار است مسجد برای جوانان به یک پاتوق فرهنگی و اجتماعی سالم تبدیل شود، باید حضور در آن برای آنان معنا، جذابیت، آرامش و امکان نقش‌آفرینی ایجاد کند. پاتوق سالم، صرفاً جایی برای تجمع نیست، بلکه فضایی است که در آن فکر، دل، هویت و روابط انسانی جوان نیز تغذیه و هدایت شود. از این منظر، برنامه‌هایی مانند حلقه‌های گفت‌وگو پیرامون مسائل فکری و هویتی، جلسات پاسخ به پرسش‌ها و شبهات، محافل انس با قرآن و دعا، کارگاه‌های مهارتی، فعالیت‌های گروهی، برنامه‌های هنری و رسانه‌ای، نشست‌های کتاب‌خوانی، جمع‌های خدمت‌رسان و فعالیت‌های داوطلبانه، همگی می‌توانند در شکل‌گیری چنین فضایی نقش داشته باشند. ویژگی مهم این برنامه‌ها آن است که جوان در آنها صرفاً مصرف‌کننده محتوا نباشد، بلکه احساس کند در یک جمع سالم، محترم، باهویت و رو به رشد حضور دارد. در واقع، هدف ما این است که آستان مقدس مسجد جمکران برای جوان، هم پناهگاه معنوی باشد، هم مدرسه معرفتی و هم محیطی امن برای شکل‌گیری رفاقت‌های سالم و مسئولانه.

یکی از نقدهای مطرح این است که بخشی از برنامه‌های فرهنگی مساجد همچنان با زبان و ذائقه نسل جدید فاصله دارد. مسجد جمکران برای به‌روز کردن شیوه ارتباط با جوانان چه اقداماتی انجام داده است؟

در آستان مقدس مسجد جمکران، یکی از ضرورت‌های جدی در حوزه فرهنگی این است که شیوه ارتباط با نسل جوان، متناسب با زبان، ذائقه، سرعت دریافت و افق ذهنی او به‌روز شود. بدیهی است که صرف برخورداری از محتوای غنی، بدون توجه به شیوه عرضه، برای ارتباط‌گیری پایدار کافی نیست. نسل جدید در معرض سبک‌های متنوع ارتباطی و رسانه‌ای است و اگر پیام دینی بخواهد در ذهن و دل او اثرگذار باشد، باید هم از حیث محتوا عمیق باشد و هم از حیث بیان، فهم‌پذیر، صمیمی و متناسب با واقعیت‌های زمانه. به همین جهت تلاش می‌کنیم از قالب‌های متنوع‌تر، گفت‌وگوهای تعاملی، روایت‌های واقعی، محتوای کوتاه و اثرگذار، ابزارهای رسانه‌ای نو و نیز شیوه‌هایی استفاده کنیم که جوان بتواند با آنها ارتباط طبیعی‌تری برقرار کند. در عین حال، نکته مهم این است که به‌روز شدن به معنای عدول از اصالت‌های معرفتی نیست، بلکه به معنای یافتن زبانی کارآمدتر برای انتقال همان حقیقت ناب است. هدف ما این است که معارف مهدوی و فرهنگ انتظار، نه در قالبی دور از ذهن و انتزاعی، بلکه به‌عنوان حقیقتی زنده، امیدبخش و راه‌گشا در زندگی امروز جوان عرضه شود.

جوانان امروز فقط مخاطب برنامه‌های فرهنگی نیستند؛ چقدر از آنها در ایده‌پردازی، طراحی و اجرای برنامه‌های مسجد نقش داده می‌شوند؟

هر اندازه نقش جوان از مخاطب منفعل به همراه فعال و عنصر اثرگذار ارتقا پیدا کند، میزان موفقیت برنامه‌ها نیز بیشتر خواهد شد. جوان امروز میل دارد در ساختن فضا و برنامه‌ای که به او مربوط است، سهم واقعی داشته باشد. اگر تنها دریافت‌کننده پیام باشد، ارتباط او محدود و موقتی می‌شود، اما اگر در ایده‌پردازی، طراحی و اجرا مشارکت کند، احساس تعلق، مسئولیت و هویت جمعی در او تقویت می‌شود. از این رو، تلاش می‌شود در بخش‌هایی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آستان، از ظرفیت فکری، اجرایی و خلاقیت جوانان استفاده شود. این مشارکت، صرفاً یک تدبیر اجرایی نیست، بلکه خود یک فرایند تربیتی است. وقتی جوان در مسیر خدمت به مسجد، خدمت به مردم و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار وارد میدان می‌شود، عملاً در حال تجربه نوعی تربیت اجتماعی و ایمانی است.

مسجد چه نقشی می‌تواند در حل مسائل اجتماعی جوانان، از هویت و امید گرفته تا اوقات فراغت، آسیب‌های اجتماعی و تقویت مشارکت اجتماعی، ایفا کند؟

مسجد اگر به‌درستی شناخته و فعال شود، می‌تواند یکی از مؤثرترین نهادهای اجتماعی در مواجهه با مسائل جوانان باشد. بسیاری از مسائل نسل جوان، هرچند در ظاهر اجتماعی یا روانی به نظر می‌رسد، اما در عمق خود با بحران معنا، ضعف هویت، تنهایی، بی‌افقی، گسست ارتباطی و کمرنگ شدن پیوندهای سالم انسانی در ارتباط است. مسجد می‌تواند در برابر این وضعیت، یک کانون بازسازی‌کننده باشد. مسجد با فراهم آوردن فضای تعلق، امید، گفت‌وگو، راهنمایی، همدلی و ارتباط سالم، می‌تواند بخشی از خلأهای مهم زندگی جوان را جبران کند. همچنین از طریق برنامه‌های هدفمند، می‌توان اوقات فراغت جوانان را از حالت رها و بی‌جهت خارج کرد و به فرصتی برای رشد، یادگیری، خدمت و خودسازی تبدیل نمود.

اگر بخواهیم از مسجد فقط به‌عنوان محل برگزاری مراسم عبادی عبور کنیم و آن را به یک نهاد مؤثر اجتماعی و فرهنگی تبدیل کنیم، از نگاه شما اقدامات فوری و ضروری چیست؟

برای آنکه مسجد بتواند نقش حقیقی خود را در عرصه فرهنگی و اجتماعی ایفا کند، سه اقدام فوری و بنیادین ضرورت دارد. نخست، شناخت دقیق، میدانی و بی‌واسطه از نسل جوان و نیازهای واقعی اوست. تا زمانی که فهم روشنی از مسائل، زبان، نگرانی‌ها، امیدها و افق فکری جوان نداشته باشیم، برنامه‌ریزی‌ها غالباً کلی و کم‌اثر خواهد بود. دوم، تولید و طراحی برنامه‌هایی است که در عین جذابیت و نوآوری، از عمق معرفتی و تربیتی نیز برخوردار باشد. برنامه موفق، برنامه‌ای نیست که صرفاً جمعیت ایجاد کند، بلکه برنامه‌ای است که بتواند در ذهن، دل و سبک زندگی مخاطب اثر بگذارد و او را یک قدم به رشد معنوی و اجتماعی نزدیک‌تر کند. سومین اقدام، اعتماد به جوانان و واگذاری بخشی از مسئولیت‌ها به خود آنان است. مسجدی که جوان در آن نقش واقعی دارد، برای او به خانه، مدرسه، میدان تمرین مسئولیت و پایگاه هویت تبدیل می‌شود. این سه محور، در کنار هم، می‌تواند مسجد را به نهادی زنده، اثرگذار و متناسب با اقتضائات امروز بدل سازد.

اگر یک جوان امروز به شما بگوید «چرا باید مسجد را برای گذران اوقات فراغت و زندگی اجتماعی‌ام انتخاب کنم؟»، پاسخ شما چیست؟

مسجد، اگر درست شناخته شود، فقط محل حضور برای یک مناسک عبادی محدود نیست، بلکه می‌تواند جایی برای آرامش، معنا، رشد، رفاقت سالم، یادگیری، خودشناسی و آینده‌سازی باشد. بسیاری از فضاهای امروز، ممکن است برای ساعتی سرگرمی ایجاد کنند، اما لزوماً به انسان جهت، عمق، امید و هویت نمی‌دهند. مسجد از این جهت تفاوت دارد که هم دل انسان را به خدا پیوند می‌زند و هم او را در مسیر ساختن یک زندگی متعادل، مسئولانه و روشن قرار می‌دهد. اگر جوان امروز در جست‌وجوی آرامش، هویت، امید، دوستی سالم و مسیر درست زندگی است، مسجد می‌تواند یکی از اصیل‌ترین و مطمئن‌ترین پاسخ‌ها به این نیازها باشد.

روایت

پای صحبت روح‌الله نوری که در مسجد الحسین جوادیه بزرگ شده است

بچه‌های این مسجد وارد بهترین دانشگاه‌های کشور شدند

برای روح‌الله نوری، مسجد الحسین جوادیه فقط یک محل برای اقامه نماز نیست؛ بخشی از زندگی اوست. بیش از ۴۰ سال است که با این مسجد پیوند دارد و آن را خانه خود می‌داند؛ از روزهای کودکی و نوجوانی که در همین محله بزرگ شد و بخشی از خاطراتش را در فضای مسجد ساخت تا سال‌های طلبگی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش. حالا بیش از شش ماه است که به عنوان امام جماعت اصلی مسجد فعالیت می‌کند، اما خودش تأکید دارد که رابطه‌اش با این خانه خدا بسیار قدیمی‌تر از این مسئولیت رسمی است. وقتی از او درباره مسجد و تجربه حضور نوجوانان و جوانان می‌پرسیم، روایتش از یک برنامه مشخص برای «جذب جوان» شروع نمی‌شود. او معتقد است حضور نسل جدید در مسجد نتیجه مجموعه‌ای از عوامل است؛ مجموعه‌ای که اگر درست کنار هم قرار بگیرند، مسجد می‌تواند دوباره به همان جایگاهی برگردد که در صدر اسلام داشت؛ محلی برای عبادت، علم، تربیت، گفت‌وگو و حل مسائل جامعه.

■■■

مسجد الحسین جوادیه نیز از ابتدا با همین نگاه شکل گرفته است. به گفته نوری، سنگ بنای مسجد را جمعی از مؤمنان، متدینان و نیروهای انقلابی گذاشتند و از همان ابتدا پیوند میان دین و انقلاب در فضای مسجد پررنگ بود. رد این سابقه را می‌توان در تاریخ محله دید؛ از مبارزان پیش از انقلاب و شهدای دوران دفاع مقدس گرفته تا شهدای مدافع حرم و امنیت و حتی شهیدی که در جنگ اخیر اسرائیل و امریکا به شهادت رسید و از بچه‌های قدیمی مسجد و هیئت بود.

اما تاریخ یک مسجد فقط با سنگ و آجر و نام شهدا ساخته نمی‌شود؛ آدم‌ها هستند که به مسجد جان می‌دهند. نوری در روایت خود از یکی از همین آدم‌ها با محبت یاد می‌کند: حسین آقای آهنین، خادم قدیمی مسجد، پیرمردی مهربان و دغدغه‌مند که به جای آنکه نوجوانان را با تذکرهای سخت از مسجد دور کند، با صبوری آنها را در فضای مسجد نگه می‌داشت. نوری خاطره جلسات قرآن ماه رمضان را به یاد می‌آورد؛ روزهایی که گاهی نزدیک به ۲۰۰ نوجوان و جوان در بخش برادران مسجد جمع می‌شدند. طبیعی بود که چنین جمعیتی با شیطنت و سر و صدا همراه باشد، اما به گفته او، حتی یک بار هم ندیدند که خادم مسجد با تندی نوجوانی را از مسجد براند؛ اگر تذکری هم داده می‌شد، رنگ محبت داشت.

همین جزئیات به ظاهر ساده، از نگاه نوری، یکی از پایه‌های ماندگاری نوجوان در مسجد است: اینکه احساس نکند حضورش مزاحمت ایجاد می‌کند. یکی از نقاط عطف مسجد، توجه جدی به شهدا بوده است. ارتباط با شهدا، برگزاری یادواره‌ها، اردوها و راهیان نور، به تدریج فضایی ایجاد کرد که نوجوان و جوان با مسجد پیوند عمیق‌تری پیدا کنند. زمانی حتی سه یا چهار اتوبوس از همین مسجد برای راهیان نور اعزام می‌شد. برای نوری، انس با شهدا فقط یک فعالیت مناسبتی نیست؛ مسیری برای تربیت و ایجاد ارتباط معنوی با نسلی است که شاید تجربه مستقیم جنگ را نداشته باشد، اما می‌تواند از الگوی شهدا برای زندگی خود الهام بگیرد. در کنار این موضوع، توجه به مسائل روز و ارتباط با رهبری و آرمان‌های انقلاب نیز بخشی از هویت مسجد بوده است، اما آنچه به گفته نوری اهمیت بیشتری داشته، شیوه طرح این مسائل است.

او به خاطرات جلساتی اشاره می‌کند که در آن، به جای اینکه امام جماعت یا یک سخنران برای نوجوانان صحبت کند، خود نوجوانان کتاب می‌خواندند، موضوعات اعتقادی را مطالعه می‌کردند و برای دیگران ارائه می‌دادند. جلساتی با عنوان «فرصتی برای اندیشیدن» شکل گرفت؛ فضایی که نوجوان می‌توانست حرف بزند، سؤال بپرسد و درباره موضوعات فکری گفت‌وگو کند. در این مدل، امام جماعت قرار نبود همیشه سخنران اصلی باشد. گاهی باید شنونده می‌شد. اگر نیاز به جمع‌بندی بود، وارد بحث می‌شد و اگر نبود، صرفاً به عنوان یک همراه و ناظر در جلسه حضور پیدا می‌کرد.

نوری معتقد است همین تغییر نقش، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد جذابیت برای نوجوانان است. نوجوان وقتی احساس کند فقط مخاطب یک برنامه نیست، بلکه خودش در شکل‌گیری آن نقش دارد، ارتباطش با مسجد نیز متفاوت می‌شود. از همین جاست که بحث «مسجد به عنوان پایگاه علم» برای او اهمیت پیدا می‌کند. به اعتقاد او، مسجد از ابتدا فقط محل عبادت نبوده و باید دوباره کارکرد علمی خود را پیدا کند. در سال‌هایی که رقابت کنکور شدید بود، مسجد فضایی برای مطالعه نوجوانان و جوانان فراهم کرد و حتی کتاب‌های تست و منابع درسی تهیه می‌شد. نتیجه نیز گاهی چشمگیر بود؛ در مقاطعی حدود ۱۰ تا ۲۰ نفر از بچه‌های مسجد در بهترین دانشگاه‌های کشور پذیرفته شدند.

برای نوری، این تجربه نشان می‌دهد که مسجد لازم نیست برای جذب جوان، حتماً از بیرون چیزی به هویت خود اضافه کند. نماز، قرآن، علم و تربیت، اگر با شیوه‌ای درست ارائه شوند، خودشان جذابیت دارند.

او حتی درباره برنامه‌های ورزشی نیز همین نگاه را دارد. ورزش می‌تواند بخشی از فعالیت مسجد باشد و امروز هم نوجوانان در مسجد فوتبال و بازی دارند، اما ورزش نباید جای اصل مسجد را بگیرد. نماز و عبادت، قرآن و علم باید محور بمانند و فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در کنار آنها قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های موفقیت این رویکرد نیز تغییر نگاه بزرگ‌ترهای مسجد است. نوجوان وقتی وارد مسجد می‌شود، ممکن است وسط سخنرانی حرکت کند، سر و صدا داشته باشد یا نظم معمول بزرگسالان را به هم بزند. اگر قرار باشد هر بار با تذکر و اعتراض روبه‌رو شود، طبیعی است که احساس کند مسجد جای او نیست. به گفته نوری، پیشکسوتان و بزرگ‌ترهای مسجد الحسین جوادیه با وجود برخی گلایه‌ها تا حد زیادی این شرایط را پذیرفته‌اند و تلاش کرده‌اند حضور نوجوانان باعث دلزدگی آنها نشود.

نوری می‌گوید: نوجوان و جوان نباید صرفاً کسی باشد که برای یک برنامه به مسجد دعوت می‌شود؛ باید خودش بخشی از موتور محرک مسجد باشد. نمونه‌اش را در برنامه‌های تابستانی امسال می‌توان دید؛ برنامه‌هایی که بخش قابل توجهی از طراحی، ثبت‌نام و مدیریت آنها توسط خود نوجوانان و جوانان انجام شده است. حتی اگر همه برنامه‌ها دقیقاً مطابق تصور امام جماعت پیش نرفته باشد، همین که جوان مسجد مسئولیت گرفته، کلاس برگزار کرده، ثبت‌نام انجام داده و در جایگاه مربی و معلم قرار گرفته، از نظر نوری یک اتفاق تربیتی مهم است.

این نگاه در فعالیت‌های اجتماعی مسجد نیز خود را نشان داده است. مسجد برای نیازمندان محله شناسنامه و منطقه‌بندی دارد و جوانان مسجد در شناسایی و رسیدگی به خانواده‌های نیازمند نقش مستقیم دارند. ارتباط با کسبه، کمک به مدارس محله، توجه به مسائل اقتصادی و تلاش برای گره‌گشایی از مشکلات مردم نیز بخشی از همین رویکرد است. در چنین مدلی، نوجوان فقط در مسجد نماز نمی‌خواند؛ کم‌کم یاد می‌گیرد نسبت به محله، همسایه، مدرسه و جامعه خودش مسئول باشد.

نوری در پایان، تجربه مسجد را یک نسخه تک‌عاملی نمی‌داند. به باور او، نمی‌توان گفت برای جذب نوجوان فقط باید ورزش برگزار کرد یا فقط برنامه تفریحی داشت. حضور پایدار نوجوان نتیجه کنار هم قرار گرفتن عوامل مختلف است. مسجدی با هویت روشن، امام جماعت دغدغه‌مند، خادم و بزرگ‌ترهای صبور، برنامه‌های قرآنی و علمی، ارتباط با شهدا، فرصت گفت‌وگو، فعالیت‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر، دادن نقش واقعی به خود نوجوانان و جوانان.

او معتقد است سه اصل در این مسیر اهمیت ویژه‌ای دارد: نخست اینکه نوجوان را صرفاً مخاطب ندانیم و او را به کنشگر تبدیل کنیم؛ دوم اینکه کارکردهای اصلی مسجد، یعنی ایمان، عبادت، قرآن و علم را جدی بگیریم و آنها را با روش‌های جذاب و متناسب با نسل امروز عرضه کنیم؛ و سوم اینکه همه اجزای مسجد، از امام جماعت و خادم گرفته تا هیئت امنا و مجموعه‌های فرهنگی، یک دغدغه مشترک داشته باشند، اینکه نوجوان احساس کند مسجد خانه اوست.

شاید همین جمله، خلاصه تجربه بیش از چهار دهه حضور روح‌الله نوری در مسجد الحسین جوادیه باشد. مسجد برای جوان زمانی جذاب می‌شود که فقط از او نخواهد بیاید و بنشیند؛ بلکه به او اعتماد کند، صدایش را بشنود، مسئولیت بدهد و اجازه دهد بخشی از آینده مسجد را خودش بسازد. از نگاه نوری، مسجد همچنان می‌تواند یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تربیت و ساختن آینده جامعه باشد، به شرط آنکه درهایش فقط برای ورود نمازگزار باز نباشد، بلکه برای فکر کردن، یاد گرفتن، مسئولیت پذیرفتن، خدمت کردن و ساختن نیز باز بماند. و در این میان، نوجوانان و جوانان نه مهمانان مسجد، بلکه صاحبان فردای آن هستند.